



استانداردهای حق دفاع

حق متهم بر محاکمه منصفانه در اسناد بین المللی

۲۲



نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی داسرا

ترازوی عدالت با دفاع وکیل میزان می شود

۲۳

ویژه همایش وکیل، دفاع و تحقیقات مقدماتی



وکیل مدافع در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی

عدالت، اولین قربانی عدم دسترسی به وکیل

۲۴

تضمین حقوق متهم

دکتر حسنعلی مودن‌زادگان*

تحقیقات مقدماتی مرحله حساس دادرسی کیفری است. اقدامات قضات تحقیق و ضابطان دادگستری در موارد خاص، در این مرحله همانند مراحل کشف جرم، تعقیب متهم و دادرسی به معنی اخص باید متضمن حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی متهمان، ترمیم خسارات بزه‌دیدگان و تأمین نظم عمومی و منافع اجتماع باشد. با این همه تأمین حقوق بشر در اسناد بین‌المللی سعی وافر مزبور به‌طور توأمان در این مرحله از دادرسی از پیچدگی و ظرافت خاص بیشتری برخوردار است. زیرا از یک‌سو ضرورت حفظ نظم عمومی و منافع اجتماعی و ترمیم خسارت بزه‌دیدگان ایجاب می‌کند که به سرعت آثار و قرائن و دلایل ارتکاب جرم حفظ و جمع‌آوری شده و از فرار یا مخفی شدن متهمان جلوگیری شود و از سوی دیگر همواره نگرانی و بیم این امر وجود داشته است که در انشای انجام اقدامات سریع مزبور دقت و احتیاط فدای تعجیل در ضرورت تسریع انجام تحقیقات شود و اشخاص شرافتمند به ناحق تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و علیه ایشان کیفرخواست صادر شود. به همین لحاظ در تحولات نظام‌های دادرسی کیفری به منظور تأمین موازن بین حقوق بشر در اسناد بین‌المللی سعی وافر مبذول شده که ضمن تأمین حقوق جامعه، حقوق دفاعی اشخاص متظنون در این مرحله حفظ و توسعه یابد. در میان اقدامات متوعی که در تحقیقات مقدماتی انجام می‌شود. نظر به اهمیت امر تحقیقات مقدماتی و به‌ویژه اقدام به بازجویی، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، قوانین اساسی و نظام‌های عدالت کیفری مترقی کشورها، تضمینات حقوق دفاعی متهمان را در راستای حمایت از اصل برائت به عنوان میراث مشترک حقوقی کشورها، به هنگام اعمال تحقیقات پیش‌بینی و مقرر کرده‌اند. دفاع مؤثر و متهمان و وکلای ایشان در استناد به حقوق دفاعی مزبور موجب جلوگیری از تعرض به حقوق و آزادی‌های اساسی آنان و صدور قرار منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب در مرحله تحقیقات است. بنابراین تحقیق در تبیین مفهوم حقوق دفاعی متهمان و مصادیق آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱-تبیین واژگان

۱-۱-تحقیقات مقدماتی

همان‌گونه که اشاره شد، تحقیقات مقدماتی یکی از مراحل دادرسی کیفری است و در معای وسیع به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که از زمان وقوع جرم و شناسایی متهم آغاز و با تدارک پرونده جهت محاکمه او در دادگاه و یا رفع اتهام از وی با رعایت موازن دادرسی منصفانه صورت می‌گیرد. لیکن در مفهوم مضیق تحقیقات مقدماتی محدود به اقدامات قاضی تحقیق و یا ضابطان دادگستری به موجب قانون و یا ارجاع قاضی مزبور به ضابطان، در جمع‌آوری دلایل با نفع یا ضرر متهم، در موارد مصرح قانونی، صدور قرار تأمین جهت جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او و یا امضای آثار جرم و نیز اظهار نظر راجع به بزه‌کاری و یا بی‌گناهی او است. ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ با‌لحاظ معنای موعس مقرر می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیس به مرجع قضایی صورت می‌گیرد. ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند.»

۱-۲-حق دفاع متهم

حمایت از حق دفاع متهم در دادرسی کیفری در حقیقت تضمین رعایت حقوق طبیعی اشخاص به‌ویژه حق حیات و آزادی ایشان است. حقوق مزبور با تخمیرمای شخصیت افراد با قطع نظر از اختلافات فرهنگی، اعتقادی، نژادی و مانند آن عین شده است. بند ۱۱ ماده ۶۶ و ماده ۹۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به جز در موارد مقرر آیین دادرسی به حکم قانون، سطح حق حیات و آزادی فردی را به عنوان مصادیق بارز حقوق طبیعی از حقوق اشخاص و یا حقوقی اعم از حقوق عمومی و خصوصی ممنوع اعلام کرده است. قوانین اساسی و عادی کشورها نباید و اساساً نمی‌توانند چنین حقوقی را نقض و یا به روش‌های خلاف عقل و اصول دادرسی منصفانه محدود سازد. از این رو وظیفه قانونگذار این است که به تبع آثار و عین حقوق طبیعی، حق دفاع متهم و آثار و لوازم و آن را به عنوان تضمین حقوق مزبور به رسمیت شناخته و مجادنه به حمایت از آنها بپردازد. حمایت از حق دفاع مستلزم تضمین قوانینی بر اساس اصول دادرسی منصفانه است که ضمن احترام به عقیب آزادی بیان متهم در رسیدگی به امر کیفری، وسایل و امکانات کافی لازمه دفاع از اتهام را تدارک نماید.

بازجویی

بازجویی با تحقیق از متهم رکن اساسی تحقیقات جنایی است. هدف از بازجویی کشف واقعیت مجرمانه و تشخیص اتهام صحیح از سقیم است. بنابراین حداقل یکی از هدف‌های مهم بازجویی رعایت حق دفاع متهم و یا نظری می‌رسد که با توجه به اهمیت حق دفاع متهم در اعمال بازجویی، تعریف جامع آن چنین است: (بازجویی طرح سئوالات قانونی از متهم یا مظنون به ارتکاب جرم، به منظور کشف واقعیت مجرمانه و تضمین حق دفاع است.)

۲-تضمینات حقوق دفاعی قبل از شروع به بازجویی

با توجه به موقعیت ویژه امر تحقیق از متهم در فرآیند تحقیقات مقدماتی، برحسب اصول دادرسی منصفانه قبل از شروع بازجویی تضمینات دقیقی در حمایت از حقوق دفاعی متهمان در نظام‌های دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. قاضی تحقیق و یا ضابطان دادگستری به نمایندگی از سوی قاضی تحقیق و یا به مباشرت در این جرایم مشهود، مکلف به رعایت تضمینات مزبور هستند. در این برخام تحقیقات حقوق دفاعی متهمان قبل از شروع به بازجویی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- ضرورت وجود دلایل کافی

با عنایت به لزوم رعایت اصل برائت و در نظام‌های دادرسی کیفری به‌منظور حمایت از اصل مزبور الزامات مخصوص در کلیه مراحل رسیدگی مقرر شده است. از جمله این الزامات لزوم اثبات اتهام توسط مقام تعقیب و شاکی خصوصی از طریق تحصیل و ارائه دلایل قانونی و مشروع و منطبق با موازن دادرسی منصفانه نزد مقامات قضایی تحقیق و رسیدگی می‌باشد. لذا از امر بازجویی نیز که یکی از اقدامات حساس مرحله تحقیقات مقدماتی است، متوقف بر تحصیل و ارائه دلیل کافی مبنی بر توجیه اتهام به متهم از سوی مقام تعقیب و شاکی خصوصی است. در حقوق کیفری ایران هرچند متهم که به صراحت این مطلب را بیان کند، به چشم نمی‌خورد، لیکن: اولاً، با عنایت به اینکه حسب صراحت ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری «قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر اینکه دلیل کافی برای احضار یا جلب داشته باشد و احضار یا جلب بر حسب مورد قریه ضروری تحقیق از

متهم است، بنابراین به طریق اولی بازجویی از متهم نیز باید مسبوق به دلایل کافی باشد. «ثانیاً؛ همان‌گونه که خواهیم دید، حسب ماده ۱۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری تفهیم اتهام باید همراه با ذکر دلایل باشد و چون امر تفهیم اتهام نیز از تضمینات قبل از شروع اتهام است، لذا وجود دلایل کافی برای شروع به اتهام ضرورت خواهد داشت.

۲-۲- ثبت هویت متهم

در مرحله تحقیقات مقدماتی طبق مقررات نظام دادرسی کیفری قبل از هرگونه اقدام تحقیقی، هویت متهم باید دقیقاً ثبت شود. ثبت هویت متهم معمولاً در اوراق مخصوص چاپی انجام می‌شود. این رویه در سایر کشورها نیز اعمال می‌شود. در حقوق ایران نحوه ثبت هویت متهم به شرح ماده ۱۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «قاضی ابتدا، هویت و مشخصات متهم (اسم، اسم پدر، شهرت، فامیل، سن، شغل، عیال، اولاد و تابعیت) و همچنین آدرس شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه و شماره منزل) او را دقیقاً سؤال کرده به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به‌آسانی مقدور باشد و متذکر می‌شود که... در تبصره ۱۱ ماده مزبور در ادامه موضوع ثبت مشخصات متهم آمده است: «قاضی در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند، محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌کند، محل قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید محل اقامت جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند. در غیر این صورت احضاریه‌ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد... رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم است.»در تبصره ۲۲ همان‌ماده «تخلف ماموران ابلاغ در انجام وظایف خود و یا گزارش خلاف واقع آنان در امور مربوط به وظایفشان مشمول مجازات مقرر قانونی» قلمداد شده است.

۲-۳- تذکر به مواظبت در اظهارات

اهمیت بازجویی و آثار ناشی از آن ایجاب می‌کند که متهم در پاسخ به پرسش‌های مقامات قضایی و انتظامی با احتیاط و حزم و دراندیشی عمل کرده و به واسطه اظهارات نسنجیده موجب گرفتاری خود را فراهم نکند. آگاهی متهم از این نکته بسیار اساسی و مؤثر در سرنوشت قضایی او است. اما اشخاص به‌ویژه هنگامی که به عنوان متهم و آن هم بار اول نزد مقامات قضایی و انتظامی حاضر می‌شوند، آنچنان از حالت روحی و روانی غیرعادی و نگرانی مخصوص برخوردارند که قادر به درک جایگاه بازجویی و آثار و تبعات ناشی از آن نیستند. و چنانچه هتدارهای لازم قبل از انجام تحقیق به ایشان داده نشود، در احتمال زیاد با اظهارات ناصواب موجب لطمه به آبرو و حیثیت، آزادی، مال و یا حتی جان خود می‌شوند. از این رو در نظام‌های دادرسی کیفری به منظور حمایت از حقوق دفاعی اشخاص تمهیداتی به منظور انجام بازجویی صحیح و قانونی و مطابق با موازن دادرسی منصفانه اندیشیده‌اند.

۲-۴- تفهیم اتهام با ذکر دلایل آن

لازمه حمایت از حق دفاع متهم در دفع یا اتهام روا یا ناروایی که به آن نسبت داده‌اند و نیز رعایت اصل برائت در این فرآیند از دادرسی، آگاهی از او موضوع اتهام و دلایل آن است. زیرا جهل نسبت به موضوع و دلایل اتهام، موجب خدشه به حقوق و آزادی‌های فردی و به‌ویژه حق دفاع و نقض اصل برائت است. طبق قق «الف» بند ۳۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در نظام‌های حقوقی اتهام باید با ذکر نوع و علل آن باید در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد مطرح و به آگاهی وی برسد. قانون آیین دادرسی کیفری ایران مانند مقررات آگاهی کیفری سایر کشورها از قبیل آمریکا، انگلستان و لبنان حق آگاهی تفصیلی از موضوع اتهام را به صراحت برای متهم پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۲۹۹ «در مقام بیان این حق مقرر می‌دارد: «قاضی... موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند... بیان کلمات «صریح» و «تفهیم» در ماده مذکور بیانگر آن است که بیان اتهام با جزئیات و دلایل آن باید به گونه‌ای صورت گیرد که متهم کاملاً درک نماید. به عنوان مثال اگر شخصی به عنوان معاون در اختلاس تحت تعقیب است قاضی یا ضابط دادگستری باید ضمن تبیین مفهوم اختلاس از نظر حقوقی یا اساسی اطلاع دهد که عنوان یکی از مصادیق معاونت مذکور در ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی به همراه دلایل توجیه اتهام توضیح داده و به درک کامل وی برساند.

۲-۵- حق سکوت و اعلام آن

حق سکوت متهم در پاسخگویی به پرسش‌های قضات و ضابطان دادگستری به هنگام بازجویی در نظام‌های دادرسی کیفری پذیرفته شده است. شق «ب» بند ۳۳ ماده ۹۹ میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی به حق سکوت متهم تصریح کرده است. زیرا حقوق ایران با عنایت به قسمت اخیر ماده ۱۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «... چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او به صورت مجلس قید می‌شود» حق سکوت متهم در انشای بازجویی به نحو تلویحی مورد قبول مقنن است و قضات تحقیق و ضابطین دادگستری مکلف به رعایت این حق هستند.

۲-۶- حق داشتن وکیل و اعلام آن

حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی و لزوم حضور و فعالیت قانونی وی در دفاع از حقوق موبک و به‌ویژه در هنگام بازجویی تضمینی بسیار اساسی در جهت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و جلوگیری از اختلال به حق دفاع است. حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی موجب برقراری توازن و تحقق اصل تساوی سلاح‌ها در روند دادرسی کیفری است. زیرا حضور قضات مجرب تعقیب، شاکی خصوصی، وکیل یا وکلای او و ضابطان دادگستری در سازمان دادسرا که به‌انگیزه حمایت از حقوق جامعه و زیان‌دیده از جرم در امر جمع‌آوری دلایل به‌ضرر متهم اشتغال دارند، مستلزم وجود حقوقدانانی فعال و برجسته در کنار متهم به منظور دفاع از حقوق قانونی وی است. حضور وکیل مدافع متهم در تحقیقات موجب جلوگیری از نابسامانی در امر تحقیق به ضرر وی و قوت قلب او است. در حقوق اسلام دلیل عنوان وکیل در خصوص (الوکیل للخصومه) حق داشتن وکیل در کلیه دعاوی کیفری و یا مدنی به نحو اطلاق از بدو تا ختم دادرسی برای متهم و یا مدعی علیه جایز اعلام شده است. انتظار می‌رفت که مقنن در تصویب قانون دادرسی کیفری مصوب سال ۷۸، تحولات تقنینی دادرسی کیفری در راستای حمایت از حق دفاع و به‌ویژه حق انتخاب وکیل را مورد توجه قرار داده و علاوه بر پیش‌بینی حق مزبور به‌طوری‌که در تبصره یاد‌شده مطرح شد، صریحاً بازپرس را مکلف به اعلام حق مزبور به متهم نماید. اما متن تبصره عیناً به عنوان ماده ۱۲۸۸ قانون فوق‌الذکر پیش‌بینی شده و این ماده تبصره‌ای

اضافه شده که نه تنها موضوع تکلیف بازپرس به اعلام حق داشتن وکیل در تحقیقات را به پوته فراموشی گذاشته است، بلکه نفس حق داشتن وکیل را با لحاظ قیودی مبهم مخدوش کرده است. تبصره ماده ۱۲۸۸ می‌گوید: «در مواردی که موضوع جنبه مجرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.»بدین ترتیب قاضی می‌تواند با تفصیر سلیقه‌ای «جنبه مجرمانه داشتن تحقیقات» که در هر اتهامی می‌تواند مطرح باشد و وجود فسادی که دامنه یا قلمرو آن تعریف نشده است از حضور وکیل در تحقیقات ممانعت به عمل آورد. با توجه به انتقادات موجهی که به این تبصره شد، مقنن در بند ۴۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳/۲/۵، مقرر کرد: «محاکم و دادرسرا مکلفند حق دفاع متهمان و مشککی متهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم سازند. این توجیه به اینکه قانونگذار وفق مقرر مزبور در مقام بیان تعریف مجدد حق انتخاب وکیل از سوی متهمان بوده است و در عین حال قیود مذکور در تبصره ماده ۱۲۸۸ را مطرح نکرده و با عنایت به اصل قبح سخن لغو توسط مقنن و با توجه به لزوم تفسیر قانون کیفری به نفع متهم، می‌توان بر این عقیده بود که آزادی‌های مشروع و حفظ شده و حق انتخاب وکیل به‌طور مطلق برای متهم پیش‌بینی شده است. اما مشاهده می‌شود که مقنن درگاه راه‌موضوع حق انتخاب وکیل توسط متهم را به فاصله حدود ۵ ماه بعد از تبصره قانونی اخیرالذکر مورد توجه قرار داده و در بند ۷ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۳/۷/۱۶ مقرر می‌دارد: «به منظور اجرای اصل سی و پنجم (۳۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز به منظور تأمین و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات حقوقی بر یک از اصحاب دعوی حق انتخاب، معرفی و حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات، رسیدگی و اجرای احکام قضایی را به استثنای مواردی که موضوع جنبه مجرمانه دارد و یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد می‌شود، دارند.»

۳- منع تأخیر از تفهیم اتهام

چنانچه دلایل کافی مبنی بر ارتکاب جرم و توجیه اتهام به شخص یا اشخاص معینی در اختیار قاضی تحقیق باشد، باید بر حسب مورد به عنوان مهت جهت تحقیق احضار یا جلب شود. اما در رویه قضایی کشورها مشاهده می‌شود که بعضاً فرد مزبور را به عنوان شاهد یا مطلع احضار و یا جلب کرده و پس از اخذ سوگند اطلاعات لازم را از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی متهمان است. زیرا اطلاعات اخذ شده از سوی شاهد یا مطلع که به همراه اثبات سوگند بوده است، وی را در محذور اخلاقی قرار داده و چه بسا در اظهارات خود اتهامی ناخواسته مطرح کرده است. به‌علاوه شخص متهم به هنگام شروع به بازجویی از تضمینات لازم از جمله حق داشتن وکیل و اعلام آن از وی اخذ و مکثوب می‌نمایند و در همان جلسه با عنایت به دلایل تحصیل شده و اخذ اطلاعات مزبور به عنوان متهم به وی تفهیم اتهام می‌کنند. این روش خدعه‌آمیز از مصادیق بارز اختلال در حقوق دفاعی